

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

تأثیر فرهنگ اسلامی بر آثار راضیه تجار و خوله القزوینی

۱- زهرا نصیری شیراز ۲- عادل سواعدی ۳- محمد سواعدی

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

۳- دانش‌آموخته دوره کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

z.nasirishiraz@scu.ac.ir

a-sawaedi@scu.ac.ir

mo.sva67@gmail.com

چکیده

راضیه تجار و خوله القزوینی، دو داستان‌نویس معاصر ایران و کویت، قالب داستان را برای بیان مضامین مورد نظر خود برگزیده‌اند؛ بن‌مایه‌های فرهنگی اجتماعی و نیز مسائل زنان در آثار ایشان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دو نویسنده می‌کوشند ضمن ترسیم فضای حاکم بر جامعه، خوانندگان خود را به ارزش نهادن به اصول و عقاید اسلامی، به مثابه شاه‌کلیدی برای حل معضلات اجتماعی فراخوانند. راضیه تجار، نویسنده نام‌آشنای حوزه ادب‌پایداری است. داستان‌های او را می‌توان آینه تمام‌نمای فرهنگ ایرانی اسلامی در دهه‌های اخیر دانست. خوله القزوینی اما بر آن است با بازگرداندن زن به جایگاه رفیعی که آموزه‌های دینی برای نقش دوگانه همسر/مادر در خانواده و اجتماع قائل است، راه حلی برای مشکلات امروز زنان در جوامع مسلمان ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: راضیه تجار، خوله القزوینی، قرآن کریم، داستان، زن.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۱- مقدمه

داستان و رمان از قالب‌های ادبی به شمار می‌روند که بیش‌تر از دیگر آثار حوزه ادبیات، تحت تأثیر شرایط و اوضاع جامعه قرار دارند و می‌توانند ساختار اجتماعی را در خود بازتاب دهند. رمان مستقل‌ترین و انعطاف‌پذیرترین نوع ادبی است که نخست از مغرب زمین سربرآورد و امروزه در ایران و دنیای عرب نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

راضیه تجار، نویسنده ایرانی و خوله القزوینی، نویسنده کویتی از جمله نویسندگان معاصر ادبیات فارسی و عربی هستند که مسائل اجتماعی به طور برجسته‌ای در آثار ایشان نمود یافته است.

خوله القزوینی آثار داستانی بسیاری در کارنامه‌ی ادبی خویش دارد که عبارتند از: «مذکرات مغتربه»، «مطلقة من واقع الحیاة»، «عندما يفكر الرجل»، «رسائل من حیاتنا»، «سيدات و آنسات»، «حدیث الوساده»، «مقالات»، «جراحات فی الزمن الردی»، «البيت الدافی»، «إمرأة من زمن العولمة»، «حکایات نساء فی العیادة النفسیة»، «هیفاء تعترف لكم»، «أسرار إمرأة»، «رجل تكتبه الشمس»، «الثقة بالنفس للطالب»، «بینی و بینک حکایة»، «کیف نقرأ کتابا»، «أهلا سیادة الیرش»، «نساء ناجحات» و «البيت السعيد»

راضیه تجار از نویسندگان پرکار بعد از انقلاب و نامی آشنا در حوزه ادب پایداری و دفاع مقدس است. آثاری که از این نویسنده تا کنون به چاپ رسیده، عبارتند از: نرگس‌ها، زن شیشه‌ای، هفت بند، بندهای روشنایی، سفر به ریشه‌ها، شعله و شب، سنگ صبور، از خاک تا افلاک، ستار من، برگزیده ادبیات معاصر، جایی که آسمان آینه‌کاری است، گمان میر که شعله بمیرد، کوچه اقا، فانوسی بی‌فروز، زندگینامه داستانی شهید شیرودی، مجموعه داستان آرام شب بخیر، جای خالی آفتابگردان‌ها، بانوی رنگین‌کمان، محبوبه صبح، بانوی آبی‌ها، شعله در عشق، آواز پرواز، فرصت سبز.

جستار پیش رو قصد دارد نمودهای تأثیرپذیری این دو نویسنده زن مسلمان را از فرهنگ اسلامی بررسی کند؛ دو بانویی که ضمن مسلمان و شیعه بودن، به دو جغرافیا و فرهنگ مختلف، ایران و کویت تعلق دارند. بودن شایان ذکر

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

است از آنجا که پرداختن به تمام مظاهر فرهنگی متأثر از دین مبین اسلام در آثار این دو نویسنده از حوصله‌ی این نوشتار خارج است، به اشاره‌ای مختصر به برجسته‌ترین آن‌ها بسنده خواهد شد.

۱- ایمان قلبی و اعتقاد به خداوند در آثار راضیه تجار و خوله القزوینی

ایمان قلبی و اعتقاد به خداوند یکی از درون مایه‌های برجسته در داستان‌های نویسندگان مسلمان است، این خصیصه در داستان‌های تجار به وضوح نمایان است؛ او می‌کوشد ایمان قلبی شخصیت‌های داستانی‌اش را برای مخاطب ترسیم کند؛ تجار از رزمنده‌ای می‌نویسد که چشمانش را از دست داده، اما نمی‌خواهد حلاوت جهاد در راه خدا را از دست بدهد. در داستان کوتاه *از شهید تا شهادت*، حاج حسن به یکی از آشنایان که از او می‌خواهد به خاطر زخمی شدن چشمش از برگشتن به جبهه منصرف شود، می‌گوید: «از چشم گذشتم، اما از جبهه نمی‌توانم بگذرم جوان! ماندن در این جهان ما را بس» (تجار، ۱۳۷۹: ۵۶).

تجار، در برخی از داستان‌های خود از زنان و مردان مجاهدی یاد می‌کند که اخلاصشان مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ در داستان کوتاه *آن را که خبر شد با زندگی و نحوه شهادت سردار شهید حاج محمود اخلاقی* رو به رو هستیم؛ او با این که در جبهه زخمی شده، یک چشمش هم تخلیه شده و هنوز بخیه به سر و صورت دارد، هر گاه کسی زبان به تحسین او می‌گشاید، چنین پاسخ می‌دهد: «این قدر کارم را بزرگ نکنید، هر چه بود وظیفه بود» (همان، ۳۲). در داستان کوتاه *همیشه آن دورها چراغی هست*، پیرمرد، بابایی را به اشتباه دزد تصور کرده، اما بابایی بدون این که واکنشی نشان دهد، این ماجرا را تنبیهی از جانب حق می‌داند: «نمی‌دانم، شاید گناهی مرتکب شده بودم و خداوند می‌خواست تنبیهم کند» (تجار ۱۳۹۴: ۷۸).

ایمان قلبی یکی از موتیف‌های داستان‌های خوله القزوینی نیز هست، این مفهوم در داستان *ما یفکر الرجل ملموس* و نمایان است. ایمان قلبی و توکل به خداوند تنها چیزی است که محمد، شخصیت اصلی داستان را در برابر سختی‌های کار و مشکلات موجود مقاوم نگه داشته است. از اهداف محمد مبارزه با ظلم و ستم و گسترش هر چه بیشتر اسلام است. وی برای رسیدن به این هدف، به پیامبران بزرگ الهی اقتدا می‌کند، پیامبرانی که با جان و مال خود، در اصلاح جامعه بشری کوشیدند و تاریخ‌ساز شدند:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«تذکر محمداً نبی الأمة... تذکر نوحاً... تذکر ابراهیم... هولاء صنعوا التاريخ بدمائهم وأنفاسهم وحبات الندى المتلألئة على جباههم» (القزوينی، ۲۰۰۹، ۲۱۰).

ترجمه: محمد پیامبر امت را به یاد آور.. نوح را به یاد آور.. ابراهیم را به یاد آور.. اینان تاریخ را با خون و جانشان و عرق روی پیشانی‌شان ساختند.

زمانی که پلیس محمد را دستگیر و سپس زندانی می‌کند، زندانیان انقلابی شعار الله اکبر سر می‌دهند؛ این شعار نشانگر ایمان قلبی ایشان به خداوند است، فارغ از این که در چه شرایطی باشند. آنان به مدد همین ایمان قلبی، ثابت قدم پیش می‌روند و خداوند نیز همواره یاریشان می‌کند:

«كان الشبَابُ يصرخون في السجن: «الله أكبر... الله أكبر» يهتفون هتافاً واحداً رغم كل محاولات القمع والاضطهاد وكلما سمعوا بطلاً يتأوه من الألم ينادون: «اثبت فأن الله معنا» وعيونهم تترقب كل برئ جديد يقاؤ إلى المعتقل (همان، ۲۱۹).

ترجمه: جوانان در زندان‌ها فریاد می‌زنند: الله اکبر.. الله اکبر.. آنها علی‌رغم همه سرکوب‌ها و ستم‌ها فریاد واحدی سر می‌دهند و هر زمان نام پهلوانی را شنیدند که از درد ناله می‌کند، می‌گویند: ثابت قدم باش؛ زیرا خداوند با ماست و چشمانشان نظاره‌گر هر انسان معصومی است که به سوی بازداشتگاه رانده می‌شود.

با بررسی نمونه‌های متعدد از این دست در داستان‌های تجار و القزوينی می‌توان گفت: ایمان قلبی و اعتقاد راسخ شخصیت‌های داستانی این دو نویسنده، اثری مثبت در ذهن خواننده به جا می‌گذارد. آن‌ها با وصف چهره‌های مثبت و مؤمن و ذکر فضایل و ارزش‌های اسلامی در قالب رفتار و گفتار شخصیت‌های داستان، مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این دو نویسنده با ذکر جملاتی ساده، دلنشین و منطقی در پی اثبات حقانیت باورهای اصیل دینی و آگاهی بخشی به قشر جوان و مسلمان هستند.

۲- انس با قرآن کریم در آثار راضیه تجار و خوله القزوينی

در همه ادیان مقدساتی وجود دارد. در دین اسلام، قرآن کتاب الهی و مقدسی است که مسلمانان به آن تمسک می‌جویند. امام علی(ع) درباره اهمیت و نقش قرآن در زندگی مسلمانان می‌فرماید: «قرآنی که خداوند بر پیامبر (ص) فرو فرستاد، نوری است که چراغ‌های آن پایان ندارد و فروختگی‌اش کاهش‌نپذیرد. دریایی که ژرفای آن را کسی نداند و راهی که پیمودنش رهرو را به گمراهی نکشاند، پرتوی که فروغ آن تیرگی نگیرد و فرقانی که نور

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

برهانش خاموش نشود. تبیینی که ارکانش ویرانی نپذیرد و ارجمندی که یارانش را شکست و ناپایداری نباشد. حقی که آن را زیان و خواری نباشد. پس قرآن معرف ایمان و چشمه سار دانش است» (رضی، ۱۳۷۴ش: ۲۳۴). جلوه های انس با قرآن در آثار راضیه تجار عبارتند از:

۱-۲- توکل به قرآن

یکی از اشکال و انواع انس با قرآن در داستان های تجار، توکل شخصیت های داستان به قرآن است که در بسیاری از داستان های وی مشاهده می شود. تجار در داستان نرگس ها از توکل یکی از شخصیت های داستان هایش سخن به میان می آورد که به قرآن اعتقاد داشته و به آن توسل می جوید و تکیه و اعتماد می کند و در سختی ها انیس دلتنگی او است «جلد سبز قرآن، بهار را در بی تو بودن به یاد می آورد» (تجار، ۱۳۹۳ الف: ۳۵).

داستان مردی با بالهای سبز داستان زندگی سردار شهید سید احمد نبوی است؛ تجار ماجرا را از سر سفره عقد پسر شهید نبوی آغاز می کند که نوعروس با خواندن قرآن، زندگی مشترک خود را آغاز می کند:

«صدای هلهله می آید. نقل و پولک است که به آسمان می رود تا بر سر ماه، که عکسش در شیشه افتاده، فرو آید. دختر عمه دست به دست می گردد تا به عروس که در زیر چادر نقره ای نشسته و یاسین می خواند، برسد» (تجار، ۱۳۷۹: ۱۳).

۲-۲- انسان سازی قرآن

یکی از بارزترین جلوه های انس با قرآن در داستان های تجار، توجه به بُعد انسان سازی این کتاب مقدس است. انسان سازی قرآن زمانی تحقق می پذیرد که فرد به مدد تلاوت و قرائت و حفظ قرآن با قرآن مأنوس شود. تلاوت و حفظ قرآن کریم در فرهنگ ایرانیان ریشه دوانده و با زندگی مردم سرزمینمان عجین شده است. چنان که پدر برای تشویق پسر به انس با قرآن برای اولین بار که او سوره ای از حفظ می خواند به او سکه ای می بخشد. تجار در این جا وظیفه پدران را که همانا آموختن قرآن به فرزندان است، یادآوری می کند.

در داستان گمان مبر که شعله بمیرد حسین سلیمانی «دانه های تسبیح را که هفت رنگ بود جلوی نور می گرفت و نگاه می کرد. بعد که پدرش قرآن می خواند، به پهلویش می چسبید و به دهانش خیره می شد. اول بار که سوره ای را از حفظ خواند، پدرش یک سکه از زیر جانمازی در آورد و به او داد» (تجار، ۱۳۸۱: ۱۴).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

انسان سازی قرآن موضوعی است که بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست؛ تجار نیز از جمله نویسندگان است که انسان سازی قرآن را به نحو شایسته‌ای بازتاب داده است؛ تجار در مجموعه گمان مبر که شعله بمیرد برای نشان دادن تأثیر قرآن بر وجود آدمی، از تعبیر «شفافیت» استفاده کرده است؛ به بیان دیگر، قرآن چونان صیقلی وجود آدمی را از زنگار هواجس نفسانی و وساوس شیطانی پاک می‌کند:

«اما به خداوندی خدا هر وقت نگاهت می‌کردم این حس بهم دست می‌داد. شاید بخاطر خواندن قرآن بود که اینطور شفاف شده بودی، طوری که ته و توی روحت پیدا بود» (همان، ۴۵).

«قرآن می‌خواندی صدایت مثل چشمه بود، قل قل کنان...» (همان، ۴۹).

«می‌گفتی در نظر بیاور دخترک کوچولوی ما بنشیند سر سجاده و با دست های لطیفش قرآن را ورق بزند و بالبهای کوچکش که عطر گل‌های محمدی را دارد شروع به حفظ قرآن کند» (همان: ۵۲-۵۳).

در داستان محبوبه صبح، محبوبه به ماه رمضان عشق می‌ورزد و با خواندن آیات قرآن کسب نور می‌کند و عطر و بوی این ماه را دوست دارد. همه را «خواندن آیه‌های قرآن را، دعای سحر را، که بارانی از نور به قلبش می‌باراند» (تجار، ۱۳۹۳: ۸۳).

۲-۳- عمل به تعالیم قرآنی

پیروی عملی از قرآن کریم در داستان‌های تجار به طرز چشمگیری ملاحظه می‌شود، به طوری که این موضوع به داستان‌های وی صبغه مذهبی بخشیده است. در ذیل به نمونه‌ای از عمل به تعالیم قرآنی اشاره می‌شود:

در داستان گمان مبر که شعله بمیرد صدای محمد سلیمانی به گوش می‌رسید: «در دفاع از تبادل نظر و مشورت صحبت‌ها فراوان است. در قرآن کریم هم به این مسئله توجه و سفارش شده است» (تجار، ۱۳۸۱: ۵۹)؛ اشاره دارد به آیه مشهور «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (شوری: ۳۸)

استخاره با قرآن کریم نیز یکی از آداب نیک و پسندیده رایج بین ایرانیان مسلمان است؛ ایشان هنگام قرار گرفتن بر سر دو راهی‌ها یا برسر تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی، به قرآن مراجعه می‌کنند و استخاره می‌گیرند. در ذیل به نمونه‌ای از این دست اشاره می‌شود:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مادر «نور قرمز چراغ خواب، بال پرنده ها را خونین کرده بود به قرآن کوچکی که روی پاتختی بود نگاه کرد. نیت کرد و فالی زد. اولین آیه را که خواند، دلش فروریخت. قرآن را بست و دیگر جرأت نکرد آن را باز کند» (همان: ۹۱).

۲-۴- برپایی مجالس و مسابقات قرآنی

در بسیاری از داستان‌های تجار برپایی محافل حفظ و تفسیر قرآن به منظور یادگیری و اشاعه فرهنگ قرآنی و یا به صورت مسابقه با هدف تشویق و ترغیب شرکت کنندگان به قرآن مشاهده می شود. در ذیل به نمونه‌ای از این دست اشاره می شود:

در داستان گمان مبر که شعله بمیرد از طرف ستاد الحافظون، هدیه‌ای به پدر و مادر شهید سلیمانی دادند «ما اسماعیلمان را در راه خدا دادیم، چشم داشتی نداریم.

-بله... اما این هدیه از طرف ستاد الحافظون است بخاطر شرکتشان در مسابقه حفظ قرآن» (تجار ۱۳۸۱: ۱۰۹).

در داستان‌های تجار عشق به قرآن سرآمد همه امور و شئون زندگی است. یکی از این داستان‌ها که عشق به قرآن در آن به زیبایی موج می زند، داستان *از شهید تا شهادت است*. (بنگرید به تجار، ۱۳۷۹: ۵۵).

در واقع سید مرتضی و معلمش، حاج حسن، که در میدان جنگ جانشان را در طبق اخلاص نهاده اند، یکی بانی جلسات قرآنی است و دیگری متعلمی علاقه‌مند؛ حضور این دو شخصیت در قالب رزمندگان که از وطن و ناموس خود دفاع می کنند، تبلور تعالیم عملی قرآن کریم است؛ انسان‌هایی متعهد و از خود گذشته که تا پای جان بر آرمان‌های خود پای می فشارند.

۲-۵- حضور قرآن در سنت‌های کهن

کسی که قرآن را به عنوان مونس و همدم خویش بر می‌گزیند، بدون شک یاور خوب و مطمئنی برگزیده است. مسلمانان، قرآن را از طرف خداوند حافظ و پشت و پناه خود می‌دانند، و بر این باورند که رابطه با قرآن می‌تواند به زندگی آنان برکت دهد. تجار مانند هر مسلمانی به قرآن کریم اعتقاد دارد و آن را محافظ انسان در برابر بلا می‌داند؛ نمود این باور نویسنده به خوبی در داستان‌هایش هویداست. این موضوع در داستان‌های تجار در خلال رویدادها و ضمن اشاره به برخی از سنت‌های کهن نظیر بدرقه کردن مسافر و رد کردن وی از زیر قرآن، یا قرار

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

دادن یک قرآن با اندازه بسیار کوچک در میان لباس‌ها، یا بستن آیة‌هایی از قرآن دور گردن و بازو و... ذکر شده است.

در داستان *از شهادت تا شهادت* همسر حاج حسن الله دادی با حیرت همسرش را نگاه کرد و «دوید سینی را که در آن قرآن و کاسه آب بود، آورد خواهرش را دید که بچه‌هایش را بغل زده و زار زار گریه می‌کند» (تجار، ۱۳۷۹: ۶۳). در داستان *گمان مبر* که شعله بمیرد نیز همچون داستان فوق بدرقه مسافر و رد کردن او از زیر قرآن آمده است. «یک بار دیگر او را زیر قرآن رد کردم، پشت سرش آب ریختم و او که نباید به عقب برمی‌گشت، برگشت تا نگاهم کند» (تجار، ۱۳۸۱: ۲۲).

مادر محمد وقتی از شرایط فرزندش در رژیم شاه بیمناک است، به خودش دل‌داری می‌دهد که «صبر داشته باش زن! این بچه با بچه‌های دیگر فرق دارد. همان قرآنی که به بازویش بستنی حافظش است. دل‌نگران نباش» (همان، ۲۳).

در داستان *درخت گیسو پریشان* از زبان مادر محمد سلیمانی، می‌شنویم که فرزندش را به قرآن می‌سپارد: «فردا که از زیر قرآن ردش می‌کردم، گفتم: «خدایا اسماعیلیم را بپذیر» (همان، ۳۱). در یکی از عملیات‌ها حاج حسن خرازی رفت تا چند تا از بچه‌ها را صدا بزند؛ «دروازه قرآن درست کنید. ماشین روحیه را راه بیندازید. منقل و اسپند را بیاورید. چشمشان ببیند و دلشان قرص شود» (همان، ۷۲). «نیروهای پیاده قرآن را می‌بوسند و راه می‌افتند. ماشین دور و دورتر می‌شود» (همان، ۱۱۲).

در داستان *آواز پرواز* خواهر عباس بابایی می‌گوید: «به من گفتمی بیا و مرا از زیر قرآن رد کن» (تجار، ۱۳۹۴: ۱۳۴). حضور قرآن کریم در لحظات دشوار جدایی از خانواده یا شروع عملیات، نشان از تأثیر معنوی آن بر روح و جان شخصیت‌های داستان دارد و تکرار این حضور است که آن را به بن‌مایه یا موتیف در آثار راضیه تجار بدل می‌کند.

در کتاب *شهید شیرودی* مادر از علی اکبر می‌خواهد که ازدواج کند، اما علی اکبر برای رفتن به مناطق جنگی اصرار دارد. مادر در پاسخ به او می‌گوید: «خیلی خوب خدای نکرده، زبانم لال، هفت قرآن به میان آمد و این اتفاق افتاد، اقبالاً یک یادگار از تو می‌ماند» (تجار، ۱۳۹۰: ۳۲). در نمونه ذکر شده، نویسنده از ضرب‌المثلی معروف بهره

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

جسته است. «هفت قرآن در میان» عبارت تعویذی است که مثل سایر است (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به امثال و حکم دهخدا، ج ۴: ۱۹۸۳).

۲-۶- انس با قرآن در آثار خوله القزوینی

خوله القزوینی نیز همچون همتای خود راضیه تجار، انس شخصیت‌های داستانی‌اش را با قرآن کریم به خوبی بازتاب داده است. البته بازتاب این موضوع در داستان‌های وی آشکال متنوعی ندارد و اغلب به تلاوت قرآن توسط برخی از شخصیت‌ها منحصر می‌گردد. خوله در داستان *عندما يفكر الرجل* به قرآن کریم توجه خاصی داشته است. وی شخصیت محمد را به عنوان شخصیتی معتقد و مذهبی به نمایش می‌گذارد. همچنین به دشمنانی که سعی دارند در باورهای دینی مسلمانان نفوذ کرده، بیان اعتقادی ایشان را تضعیف کنند، اشاره می‌نماید. نویسنده او را این‌گونه توصیف می‌کند: محمد زمانی که با مشکلی مواجه می‌شود، یا در شرایط سختی قرار می‌گیرد تنها با تلاوت قرآن کریم به آرامش دست می‌یابد؛ به عنوان مثال، وقتی که محمد متهم به قتل سوزان شده و از طرف دیگر به خاطر قهر منال و درخواست وی برای طلاق، تحت فشار قرار می‌گیرد، تنها راهی که به وسیله‌ی آن آرامش پیدا می‌کند، تلاوت قرآن کریم است:

«فتح القرآن الكريم ليقراً بعينين متضرعتين خاشعتين، تساقط الدمع الغزير منها (واضرب لهم مثل الحياة الدنيا كما أنزلناه من السماء فاختلط به نبات الأرض فأصبح هشيماً تذروه الرياح وكان الله على كل شيء مقتدرًا) - الْمَالُ وَالنِّبُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا) شعر بارتياح شديد كأنّ ماء رقيقاً قد سال على جرح تغور فيه الدماء الحارقة، نفس الصعداء وهو يفكر ساهم الطرف» (القزوینی، ۲۰۰۹م: ۲۱۰).

ترجمه: قرآن را گشود تا با دو چشم اشک آلود و خاشع تلاوت کند. اشک بسیاری از چشمانش سرازیر شد؛ «و برای آن‌ها زندگی دنیا را مثال می‌زنم، همانند آبی که از آسمان فرود آورديم و گیاه زمین با آن ترکیب شد؛ پس به کاهی تبدیل شد که بادها آن را می‌پراکنند و خداوند بر همه چیز تواناست. مال و فرزند زینت زندگی دنیا هستند و کارهای شایسته نزد پروردگارت اجر و پاداش دارند و ماندگارترند». احساس راحتی بسیار کرد؛ گویا آب رقیقی روی زخمی که خون‌های داغ در عمق آن جریان داشت، روان شد. آه بلندی کشید، در حالی که می‌اندیشید و چشمانش غرق در اشک بود.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نویسنده در پی آن است تا ضمن به تصویر کشیدن شرایط سختی که قهرمان داستان با آن مواجه است، آن دشواری‌ها را مقدمه‌ای برای رابطه مستحکم‌تر او با خداوند معرفی کند. محمد نماد شخصیت مسلمان، با اعتقادی عمیق است که با وجود مشکلات بسیار از ایمان خود دست نمی‌کشد و همواره با یاد خداوند مشکلات را تحمل می‌نماید.

با واکاوی بن مایه انس با قرآن در آثار تجار و القزوینی این نکته آشکار می‌شود که این موضوع در آثار داستانی راضیه تجار از تنوع و بسامد بالایی برخوردار است، در حالی که تنوع این مضمون در آثار داستانی خوله نسبت به همتای خویش، تجار کمتر است.

۳- گسترش فرهنگ اقامه نماز در آثار راضیه تجار و خوله القزوینی

اساس بسیاری از انحرافات، بحران هویت دینی و دوری از معنویت قرآنی است. بی‌تردید کسی که همیشه با خداوند در ارتباط است، کمتر دچار انحراف می‌گردد و اگر هم لغزشی پیدا کرد، راه برون‌رفت را زودتر می‌یابد. یکی از راه‌هایی که دشمنان اسلام می‌کوشند برای تضعیف آیین جهانگیر اسلام و مسلمین از آن استفاده کنند، کاستن از شأن و جایگاه بلند فریضه نماز به قصد حذف آن است؛ ایشان تمام تلاش خود را به کار می‌بندند تا با استفاده از ابزارهای پیشرفته و با ترویج فساد و بی‌بند و باری، انگیزه حضور جوانان مسلمان را برای اقامه نماز، به ویژه نمازهای جماعت و جمعه تضعیف کنند و اندک اندک زمینه ضایع شدن نماز را که پیامدی جز تباهی ندارد، در جامعه اسلامی فراهم نمایند. «منظور، اقامه نماز با حضور و معرفت است که انسان را از هر گونه زشتی و پلیدی و هر گونه سازش با مستکبران باز می‌دارد، نه نماز بی روح که سبب هیچ گونه بیداری در مسلمانان نمی‌شود» (دولتی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵-۱۴).

۳-۱- نماز و دعا در آثار راضیه تجار

راضیه تجار به نماز به عنوان کامل‌ترین و خالصانه‌ترین حالت انسان در مقابل پروردگاش اشاره می‌کند. او در بسیاری از آثارش که در حوزه ادبیات پایداری از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، برپایی نماز را در جبهه‌های جنگ، حالتی توصیف می‌کند که از سر خلوص و تواضع در رزمندگان ما ظاهر می‌شده است. «مظهر آشکار عرفان و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مصدق اعلائی ذکر خدا نماز است تاجایی که واژه ذکر، هم معنای نماز گرفته شده است» (سجادی، ۱۳۸۱: ۴۲).

در ذیل به ذکر نمونه‌هایی از این درون مایه فرهنگی در آثار داستانی تجار اشاره می‌کنیم:

در داستان طلوع از مجموعه نرگس‌ها که مربوط به دهه شصت است، با مادران مؤمن و نمازگزار روبرو هستیم؛

مادرانی که در بچوبه مسائل روزمره و مسئولیت‌های بسیار، ادای فریضه نماز را همواره پیش چشم دارند: «مادر

گفت: آفتاب زردی است!» باید بلند بشم و نمازم رو بخونم» (تجار، ۱۳۹۳: الف: ۸۱).

در داستان سفر به ریشه‌ها از مجموعه هفت‌بند (تجار، ۱۳۹۳: پ: ۹۱)؛ شعله در عشق (تجار، ۱۳۷۹: ۹۴)؛ ستاره من

(تجار، ۱۳۸۷: ۷۶) و ... مکرر به دیالوگ‌ها و کنش‌هایی برمی‌خوریم که از تأثیر معنوی نماز بر شخصیت‌ها و عمل آن‌ها

حکایت دارد.

تجار ترسیم‌گر آرامش مؤمنانی است که با نماز خواندن و مناجات، راه زیستن با اطمینان قلبی را یافته‌اند:

«حاج محمد رو گرداند به طرف منبع بزرگ آب که زیر تیغ آفتاب می‌درخشید و رفت. آستین‌هایش را بالا

زد و وضو گرفت. چفیه‌اش را از دور گردن باز کرد و رو به قبله پهن کرد. سنگی گرد و صاف را وسط

سجاده گذاشت و به نماز ایستاد. با وجودی که ساعات شلوغی در پیش بود، اما دلش آرام بود؛ آرام

آرام» (همان، ۳۵).

در داستان کوتاه هدیه بهشتی مادر عباس خوابی می‌بیند: «خوابش را گفت و گذاشت که آب به چاه بریزد به

ایوان برگشت و از آن جا به حسینیه رفت. سجاده را باز کرد. چادر نماز گلدارش را به سر انداخت و به نماز ایستاد

قبل از قامت بستن با خود گفت: یادم باشد فردا اول وقت صدقه بدهم. یادت به خیر حاج اسماعیل! حرفت توی گوشم

زنگ می‌زند که صدقه بده تا هفتاد و دو بیماری از چهار ستون تنت پر بکشد» (همان، ۱۰۸).

شخصیت‌ها و رزمندگان که راضیه تجار، داستان آنان را بازنویسی کرده است، مصداق مؤمنانی هستند که بر اهمیت

بسیار نماز واقفند و می‌کوشند این واجب الهی را در اول وقت ادا کنند (بنگرید به: تجار، ۱۳۸۷: ۵۰ و تجار، ۱۳۹۰: ۷۰-

۷۱ و تجار، ۱۳۸۴: ۱۶۳ و تجار ۱۳۹۳: ۹۶).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۳-۲- نماز در آثار خوله القزوینی

خوله القزوینی نیز به اهمیت موضوع نماز و اقامه سر وقت این فریضه در داستان‌هایش اشاره می‌کند. او در داستان *عندما يفكر الرجل* برای نشان دادن تفاوتی که بین شخصیت منال و فاطمه دارد، کنش‌های آنان را به تصویر می‌کشد؛ مثلاً در جایی از داستان، منال از فاطمه می‌خواهد که با هم به بازار بروند، ولی فاطمه ترجیح می‌دهد نمازش را اول وقت بخواند؛ بنابراین از رفتن به بازار امتناع می‌کند. نویسنده با آوردن این دو شخصیت متضاد در برابر هم و ذکر این مسأله قصد دارد به اهمیت اقامه‌ی نماز اشاره کند و آن را معیاری برای ارزیابی شخصیت داستانی قرار دهد (اینگرید به: لقزوینی، ۲۰۰۹ م: ۲۴-۲۳).

ملت‌های مسلمان که همواره از سوی دشمنان در معرض خطر بوده‌اند و دشمنان برای نیل به اهداف پلید و شوم خویش از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند، برای گسترش اهداف خود که مبنی بر نابودی ارزش‌های مسلمانان است اقدام به تغییر بینش افراد نسبت به خدا و دین الهی می‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۷۹ ش: ۵۹).

۴- تقوا و صبر در آثار راضیه تجار و خوله القزوینی

تقوا و صبر، به عنوان دو فضیلت مشهور در دین مبین اسلام، از جمله بن‌مایه‌های آثار داستانی نویسندگان مسلمان است؛ به طوری که این دو ارزش اخلاقی زینت بخش عنصر شخصیت (قهرمان) در بسیاری از داستان‌های ایشان است. درباره‌ی ماهیت و معنای تقوا و صبر از منظر قرآن کریم، تفاسیر، نهج‌البلاغه، احادیث و روایات و ... و نیز کارکرد آن، تأثیرات فردی و اجتماعی این دو آموزه مهم دینی، پژوهش‌های ارزشمندی در قالب کتاب، مقاله و پایان‌نامه انجام یافته که با دو کلیدواژه «تقوا» و «صبر» برای مخاطبان علاقه‌مند قابل دستیابی است.

راضیه تجار در داستان‌های خود به این مهم توجه خاصی کرده است. در ذیل به نمونه‌ای از این کاربرد در داستان‌های وی اشاره می‌شود، در کنش‌های شخصیت شهید محمد سلیمانی:

یکی از هم‌زمان محمد سلیمانی از این همه حوصله‌ای که محمد برای برپایی نمایشگاه قرآن به خرج می‌داد، تعجب کرد و گفت: «چقدر حوصله داری تو؟!»

—استعینوا بالصبر والصلوه! جواب این بود!— (القزوینی، ۲۰۰۹ م: ۵۰).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

محمد در حالی که سخت بیمار است، باز هم با توسل به آیه مشهوره سوره بقره از خداوند مدد می جوید و از او برای تحمل بیماری صبر طلب می کند:

حال محمد سلیمانی بد بود، اما به همسرش گفت: حالم خوبه خیلی خوب ... و این جملات را زیر لب تکرار می کرد: «این هم میز نوارها این هم برای پوسترها. استعینوا بالصبر والصلوة...» (همان، ۹۸).

خوله القزوینی در داستان *عندما يفكر الرجل* دو گروه مبارز انقلابی و افراطی را ترسیم کرده است. این دو گروه هنگام انتخابات دانشگاه به مجادله می پردازند. یک نفر از گروه افراطی به نام عادل به مجادله کلامی با دوستان محمد که جزء گروه مبارز هستند، می پردازد؛ در حالی که محمد، شخصیتی که تربیت اسلامی در منش او مشهود است، از دوستان خود می خواهد که مقابله به مثل نکنند، بلکه بکشند با شکیبایی و محبت آنها را به سوی خود جذب کنند، چرا که هدف عادل و همفکرانش ایجاد تفرقه و دوگانگی است، حال آن که تقوا پیشه کردن و صبوری، بهترین سد در مقابل تفرقه افکنی و دشمنی است (القزوینی، ۲۰۰۹: ۳۹-۴۰).

نویسنده شخصیت های مبارزی را به تصویر می کشد که سعی می کنند به مدد شکیبایی و تقوای پیشگی، جوانان افراطی دین گریز یا سست اعتقاد را جذب کنند. در جای دیگری از داستان، زمانی که محمد با مشکلاتی مثل قتل سوزان و طلاق منال مواجه شده، پدر خود را به خواب می بیند که از محمد می خواهد که صبر پیشه کند، چرا که پیروزی نزدیک است.

«انفجر باکیا بحرقه... كأنه طفل صغير ويضرب بقبضة يده على حافة النافذة لفرط الأسى واشتد لهائه مع هذا النزف، ثم حرق في النجوم المتألثة في السماء طويل وهو يرتعد لعلی سأسكن هنا... هناك قبور الأرواح الظاهرة إن أبی يتعذب .. أجل لقد رأيتہ فی منامی ليلة أمس ... عانقتی باکیا... إننی أرى وجهه الآن فی صفحة سماء بیتنا هالة من نور تجتذب ناظریه.. یرمقنی ویهتف «اصبر یا ولدی فالفوز قریب» انتفض من هذا الخاطر «لقد كان أشبه بحلم» لكنه حلم جريح لأنه بقايا أمنیات (همان، ۲۱۲).

ترجمه: با سوز دل گریه کرد... گویا کودک خرد سالی بود که از فرط اندوه مشتش را روی لبه پنجره می کوبید و با افزایش این خونریزی تشنگی اش بیشتر شد، سپس به ستاره های درخشان آسمان زد در حالی که او می لرزید تا شاید آنجا آرام بگیرم... قبرهای ارواح ظاهر آنجا وجود داشتند اگر از شکنجه شدن خودداری می کرد... بله او را

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شب گذشته در رؤیا دیدم... با گریه مرا در آغوش گرفت... من اکنون چهره‌اش را در پهنه آسمان خانه‌مان در هاله‌ای از نور می بینم که دیده بینندگان را به خود جذب می کند... به من نگاهی می اندازد و فریاد می زند " صبر کن پسر! پیروزی نزدیک است " از این اندیشه بیرون بیا " به رؤیا نزدیک بود " اما رؤیای زخم خورده‌ای است، زیرا ته مانده‌ی آرزوهاست.

محمد به عنوان قهرمان داستان با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و با تجربه‌ای که دارد، دیگران را به صبر و بردباری دعوت می کند.

در جای دیگری از داستان *عندما يفكر الرجل* و هنگامی که محمد با اجبار مادرش برای ازدواج با دختر خاله‌اش مواجه می شود و در شرایط سخت و غیر قابل تحملی قرار می گیرد، چاره کار را در صبر کردن می بیند و به خداوند توکل می کند:

«كان محمد بدوره كثير القلق هذه الليلة... فبعد أن أنهى مذاكرته... أشرق يفكر.../وبأنامله.. يعبثُ بدفتر محاضراته... تنفس الصعداء... وهو يحدث نفسه: لماذا أعتبر هذا الأمر مشكلة الأيمكنني فعلاً تغيير منال؟.. آنها ربما تكون سهلة التكيف.. فلأمنح فرصة لعلی أنجح فيها... آنها أخيراً أمنية أُمى... لقد شقیت كثيراً فی تربیتی أليس من الظلم والإجحاف أن أخيب أملها هذا... أن زواج فاطمة وسفرها سيكون أمراً صعباً فی حد ذاته.. فيكيف أنغصها برفض منال؟ فلاأتوكل على الله عز وجل... وأتخذ قراری... عندما تسافر فاطمة لأبد من بدیل مکانها فی البيت وأُمى لن تقبل فتاة سوی منال...» (القزوينی، ۲۰۰۹: ۳۴)

ترجمه: محمد به شخصه امشب خیلی نگران بود. بعد از آنکه گفتگویش با مادر تمام شد، به فکر فرو رفت.. و با انگشتانش دفتر سخنرانی هایش را بیهوده ورق می زد.. آه بلندی کشید.. در حالی که با خود می گفت: برای چه این موضوع را مشکل بیندارم! آیا نمی توانم نگاه منال را تغییر دهم؟.. چه بسا او راحت تر با این موضوع کنار بیاید؟.. پس فرصتی ایجاد کنم شاید در آن موفق شوم.. او بالاخره آرزوی مادرم است.. و مادرم بی شک در تربیت من سخت به زحمت افتاده است؛ بنابراین بی انصافی است اگر این آرزویش را برآورده نکنم.. ازدواج فاطمه و سفر او به خودی خود موضوع سخت و دشواری خواهد بود. پس چگونه با رد کردن منال او را بیازارم؟ پس بر

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

خدای عز وجل توکل کنم.. و تصمیمم را می گیرم.. هنگامی که فاطمه سفر کند، ناگزیر نیاز به جانشینی برای او در خانه داریم و مادرم دختری جز منال را نمی پذیرد..

۵- زیارت اماکن متبرکه و توسل به ائمه معصومین در آثار راضیه تجار و خوله القزوینی

«زیارت امامان معصوم علیهم السلام که همان برقرار کردن ارتباط روحی و به وجود آوردن پیوند قلبی با آن بزرگواران است، آثار فوق العاده سازنده ای در تربیت نفوس زیارت کنندگان، و ارتقای روح آنان و پرورش والاترین ارزش های معنوی و اخلاقی دارد؛ کسی که کمترین آشنایی با مسائل روانی و روحی الگو پذیری انسان داشته باشد، تصدیق خواهد کرد که اگر زائری با توجه و حضور قلب و با عنایت به محتوای زیارتها در حرم آن بزرگواران حضور یابد در هر جمله ای از این زیارتها یک درس مهم تربیتی و انسان ساز نهفته است» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۲۴۲)

زیارت در ادبیات دینی ما مفهوم خاصی دارد و به معنای اعلام وفاداری صادقانه‌ی مرید است به مراد، ابراز علاقه مطیع است به مطاع و اعلام خود فراموشی جان برکف مخلص است، نسبت به جانان. تعظیم، تکریم، گرامی داشت و یاد کردن انسان‌های شایسته، ریشه در فطرت و سرشت آدمی دارد.

زیارت امامان و امامزادگان (علیهم السلام) در فرهنگ ما ایرانیان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در داستان‌های راضیه تجار هم این امر نمود یافته است؛ با افزودن این توضیح که در ادبیات پایداری، که هم بعد تعلیمی دارد و هم جنبه مقاومت، سویه معنوی و عرفانی زیارت قوی تر است. شخصیت‌های داستان تجار برای نزدیکی به خداوند به اماکن متبرکه می‌روند و اولیای الهی را برای نیل به این مهم، در درگاه حق واسطه قرار می‌دهند؛ اخلاص این زائران و وارستگی ایشان در این نوع داستان‌ها دیدنی است:

در داستان کوتاه فقط سبز با زندگی و نحوه شهادت سردار شهید محمود منتظر آشنا می شویم. او از مادرش می‌خواهد که به زیارت جمکران برود و برایش دعا کند. مادر او پاسخ می‌دهد: «چشم مادر! هم خدمت آقا می‌روم، هم وقتی که دستم به کعبه رسید می‌گویم خدایا اسماعیلیم را بپذیر» (تجار، ۱۳۷۹: ۸۷).

خوله القزوینی در جای جای داستان *رجل تکتبه الشمس صبغته* معنوی را چاشنی کارش می‌کند. او هر جا که فرصتی پیش می‌آید، به شکلی هنرمندانه، به تبلیغ نمادهای اسلامی و شیعی می‌پردازد و جلوه‌های مذهبی را در

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

قالب گفتگوی شخصیت های داستان یا توصیف فضا و جو، به شکل خلاقانه ای می گنجاند؛ مثلاً مفاهیمی مانند زیارت، نذر، توسل، شفاعت، دعا، سجده شکر و... را به زیبایی توصیف می نماید، به نحوی که حس خوبی به خواننده منتقل می شود و با این مفاهیم انس می گیرد؛ پررنگ ترین جلوه ی مذهبی که در داستان مذکور به چشم می آید، جایگاه امامت و شأن و منزلت ایشان است که به ذکر نمونه هایی از آن می پردازیم.

زیارت ائمه جزو مهمات فرهنگ شیعه است و زیارت امام رضا(ع) به خاطر غربت ایشان، از اهمیت مضاعفی برخوردار است. خوله القزوینی، جریان سفر ثریا برای زیارت امام رضا(ع) را این گونه شرح می دهد:

«لقد نذرت زيارة الامام الرضا عليه السلام إن خرج عماد من السجن والحمد لله لم يخذلني الإمام الغريب سأسافر خلال يومين لزيارته ولطلب الشفاء لابنتي علياء» (القزويني، ۲۰۰۵: ۳۹۵)

ترجمه: نذر کرده بودم که اگر عماد از زندان آزاد شود، به زیارت امام رضا علیه السلام بروم و خدا را شکر که اجابت کرد و عماد آزاد شد، دو روز به زیارت او می روم و برای دخترم علیا نیز طلب عافیت می کنم. از هنرهای زیبای خوله القزوینی در این داستان، جا دادن مختصری از متن زیارت نامه امام رضا(ع) است که خواننده غیر شیعه را با زندگی و حیات و مرگ و جایگاه امام آشنا می کند:

«السلام عليك ايها الامام الغريب، السلام عليك ايها الامام الشهيد، السلام عليك ايها الامام المظلوم، السلام عليك ايها الامام المعصوم، السلام عليك الامام المسموم، السلام عليك ايها الامام المغموم، السلام عليك ايها الامام المهموم، السلام عليك يا ايها الامام الهادي والولي المرشد، أبرا إلى الله تعالى من اعدائك واتقرب إلى الله بمولاتك، السلام عليك يا شمس الشموس، السلام عليك ايها المدفون بأرض طوس، السلام عليك يا مولاي و ابن مولاي ورحمت الله و برکاته» (همان، ۴۱۵)

خوله القزوینی در خلال داستان سعی دارد نمادهای شیعه را معرفی کند و مفهوم شفاعت را نیز مطرح می کند تا جایگاه امام رضا(ع) و فلسفه ی زیارت ائمه، بهتر شناخته شود:

هطلت دموع ثریا وهی تقف لطفة بضريح الامام الرضا (عليه السلام) حفيد رسول الله تستشفع لديه عند الله، تبكي متضرعة تحتضر، تقف على مشارف النهاية مغيبة عن الحياه فبعد أن تعافت واستردت انفاسها اكتسحتها موجه حمى سببت بها الإرهاق الشديد (همان، ۴۱۱).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ترجمه: در حالی که با چشم گریان و با خضوع به ضریح امام رضا نوه ی پیامبر چسبیده بود، او را شفیع خود نزد خدا قرار می داد و هنگامی که به ضریح رسید از هوش رفت و هنگامی که به هوش آمد بدنش از خستگی شدید گر گرفته بود.

فكان الامام المعصوم شفیعا یستوطن القلب مقصدا لكل محتاج و مکروب یأتیه الزائر محملاً بأثقال الخطایا مستصرخاً قد لوعته غریبة ووحشة، مستغیثاً من جور دنیا حولت الأوطان إلی سجون تقهر الإنسان بالحرمان والظلم والفقیر (همان: ۴۱۵)

ترجمه: امام رضا شفیع است که در دل جای دارد. او مقصد هر نیازمند و بلا دیده ای است. زائران با بار گناه به محضر او می آیند و درد و غربت و تنهایی خویش را فریاد می زنند تا آن ها را از ستم دنیایی که خانه ها را به زندان مبدل ساخته و طعم محرومیت و ستم و فقر را به آن ها چشانده، رهایی بخشد.

«شفاعت در اصطلاح، یعنی واسطه شدن یک مخلوق، میان خدواند و مخلوق دیگر، در رساندن خیر یا دفع شر، خواه در دنیا و خواه در آخرت.» (طباطبائی، ۱۳۸۵: ۲۹۵)، شفاعت ارتباط نزدیکی با توسل دارد؛ توسل کار فردی است که به فرد معصوم پناه می برد و از او طلب شفاعت می کند و شفاعت، کار معصوم (ع) است که از خدا می خواهد آن فرد را ببخشد. موضوع شفاعت یکی از اعتقادات اصلی شیعیان است که برخی، از جمله وهابی ها با ناآگاهی و کج فهمی آن را انکار می کنند. نویسنده، حضور و ازدحام زائران ارادتمند امام رضا (ع) را در داستان *رجل تکتبه الشمس* این گونه بیان می کند:

خارت قواها عند أعتاب الضریح المقدس وارتعدت رعدة صاعقه هزت جوارحها المضناه فأجهشت بصوت مرتعش ونفس متهدج.... (القزوی، ۲۰۰۵: ۴۱۲).

ترجمه: در نزدیک ضریح امام رضا (ع) نیروی خویش را از دست داد؛ ناگهان بدنش به لرزش افتاد. سپس گریه وزاری کرد.

نتیجه گیری

راضیه تجار و خوله القزوینی از جمله نویسندگان معاصر هستند که از طریق سبک واقع گرایانه سعی در بیان فضای حاکم بر جامعه دارند و خوانندگان خود را به ارزش نهادن به اصول و عقاید اسلامی فرا می خوانند. ایشان سعی می کنند تا از زوایای دینی و اعتقادی به حل مسائل مشکلات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ی خود پردازند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در جستار حاضر، به سبب محدودیت حجم آن، مجال پرداختن به وجوه متنوع تأثیر فرهنگ اسلامی بر آثار این دو نویسنده دست نداد؛ مثلاً ترویج و تبلیغ روحیه شهادت طلبی و جهاد در راه خدا از زمره این مباحث است؛ بنابراین به تبیین مهم ترین نمودهای فرهنگ دینی بر آثار داستانی ایشان بسنده شد. ایمان قلبی و اعتقاد به خداوند، انس با قرآن کریم، فرهنگ اقامه نماز و نقش آن در انسان سازی، تأثیر دعا، یادکرد ائمه معصومین و فواید معنوی زیارت بقاع متبرکه ایشان از جمله مواردی است که در این نوشتار مختصر، به مثابه بن مایه های فرهنگی و اجتماعی در جامعه اسلامی ایران و عرب، و به استناد بستر داستانی و شخصیت پردازی های دو نویسنده ملموس و یافتنی است.

در داستان های راضیه تجار و القزویی، جنسیت نویسندگان در پردازش و معرفی افکار و کنش های شخصیت های اصلی، که اغلب زن هستند و در حوادث داستان نقشی مهم و پیچیده دارند، مشهود است.

فهرست منابع

قرآن کریم

تجار راضیه (۱۳۷۹)، شعله در عشق، چ اول، قم: یادواره سرداران و فرمانده ۵۲۰۰ شهید استان قم.

..... (۱۳۸۱)، گمان مبرکه شعله بمیرد، چ اول، تهران: نسل کوثر

..... (۱۳۸۴)، جای خالی آفتاب گردان ها، چ اول، تهران: انجمن قلم ایران

..... (۱۳۸۷)، ستاره من، چ دوم، کرمان: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لشکر ۴۱ ثار الله

..... (۱۳۸۹)، آرام شب بخیر، چاپ سوم، تهران، سوره مهر.

..... (۱۳۹۰)، شهید شیرودی، چ سوم، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.

..... (۱۳۹۳ الف)، نرگسها، چ سوم، تهران: سوره مهر.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- (۱۳۹۳ب)، زن شیشه‌ای، چ دوم، تهران: برگ سوره مهر.
- (۱۳۹۳پ)، هفت بند، چ چهارم، تهران: حوزه هنری
- (۱۳۹۳ت)، بانوی آبی‌ها، چ دوم، تهران: سوره مهر.
- (۱۳۹۳ث)، محبوبه صبح، چ اول، تهران: سوره مهر.
- (۱۳۹۴)، آواز پرواز، چ دوم، تهران: نشر شاهد.
- رضی، سید شریف (۱۳۷۴)، نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، چاپ هفتم، انتشارات علمی و فرهنگی.
- سجادی، جعفر (۱۳۸۱)، فرهنگ اصطلاحات و تعبيرات عرفانی، چ ششم، تهران: طهوری.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- القزوينی، خوله (۲۰۰۱م)، عندما يفكر الرجل؛ مؤسسه دار النبأ للنشر والتوزيع، كويت.
- (۲۰۰۹م)، عندما يفكر الرجل، الطبعة الخامسة، دار الصفو، بيروت.
- (۲۰۰۳م)، سيدات و آنسات، مؤسسه دارالنبأ والتوزيع، كويت
- (۲۰۰۴م)، اهلا سيادة الرئيس، مؤسسه دارالنبأ للنشر والتوزيع، كويت
- (۲۰۰۵م)، رجل تكتبه الشمس، ط ۳، مؤسسه دارالنبأ للنشر والتوزيع، كويت
- (۲۰۰۵م)، البيت الدافئ، مؤسسه دارالنبأ للنشر والتوزيع، كويت
- (۲۰۰۰م)، جراحات الزمن الردي، مؤسسه دارالنبأ للنشر والتوزيع، كويت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۹ش)، «اصول و ارزش های اسلامی و خطر تهاجم فرهنگی» نشر مکاتبه و اندیشه،

شماره ۶.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۲ش)، مفاتیح نوین، ترجمه: رسول هاشمی محلاتی، قم، نشر امام علی ابن ابیطالب، چاپ

یازدهم.